

توصیف واکه‌ها در گویش لمزانی و مقایسه‌ی آن با فارسی معیار

محمد صالح ارزن کار*
زهرا انصاری**
جواد دهقانی***

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۰۸
تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۲/۰۸

چکیده

گویش لمزانی، گویشی متداول در قسمت مرکزی بخش مهران است که در شمالی‌ترین محدوده‌ی شهرستان بندرلنگه، جنوب شرقی بستک و محدوده‌ی غربی بندرخمیر واقع شده است. مردم شهر لمزان و سیزده روستای همجوار در مرکز بخش، گویشوران این گویش هستند. پژوهش حاضر به بررسی و توصیف واکه‌های این گویش در تقابل با فارسی معیار می‌پردازد. در این مقاله، با استفاده از جفت‌های کمینه و به دست دادن مثال‌های واجی در سه موضع آغازی، میانی و پایانی، واکه‌ها بررسی و توصیف شده‌اند. برآیند این تحقیق مبین این نکته است که علاوه بر تمایزاتی در مبحث واکه‌های مرکب، در مقابل شش واکه‌ی ساده در زبان فارسی معیار، این گویش دارای یازده واکه‌ی ساده است که در سه دسته‌ی کوتاه، بلند و کشیده دسته‌بندی می‌شوند.

کلید واژه: گویش لمزانی، فارسی معیار، واج، واکه‌های ساده، واکه‌های کشیده، واکه‌های مرکب.

* دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازان. arzankar62@yahoo.com

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازان. Ansari_Zahra@yahoo.com

*** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازان. Mirjavad2003@yahoo.com

۱- مقدمه

لمزان مرکز بخش تازه تأسیس «مهران» از توابع شهرستان بندرلنگه است که در محدوده‌ی شمال شرقی شهرستان بندرلنگه، جنوب شرقی شهرستان بستک و غرب شهرستان بندرخمیر واقع شده است. در بخش مهران به طور کلی سه گویش وجود دارد؛ در قسمت مرکزی بخش شهر لمزان و سیزده روستای کوچک و بزرگ به گویشی تکلم می‌کنند که از

نواحی شرقی و غربی بخش متمایز است و ما آن را به اعتبار مرکز بخش مهران، «گوش لمزانی» می‌نامیم. این گوش هم با گوش جنوب فارس موسوم به «دری لارستانی» طی «آچمی» هم خانوادگی و قرابت دارد و هم به گوش قسمتی از غرب هرمزگان شبیه است.

تاکنون هیچ‌محقق‌ی درباره‌ی گوش و فرهنگ این منطقه پژوهش یا حتی اظهار نظر نکرده است؛ هرچند با وجود جدا شدن جغرافیایی لمزان از لارستان چنین به نظر می‌رسد که باید زیر مجموعه‌ی گوش‌های هرمزگان باشد؛ اما شباهت‌های ظاهری و ساختاری بسیار با خانواده‌ی گوش‌های لارستانی در بسیاری جهات، ایجاب می‌کند آن را به عنوان یکی از گوش‌های ناشناخته و معرفی نشده از خانواده‌ی گوش‌های لارستانی فرض کنیم. با وجودی که این گوش هیچ‌گاه مطالعه و معرفی نگردیده و نیز زیر مجموعه‌ی خانواده‌ی گوش‌های خاصی قرار داده نشده است، اما می‌توان با پژوهش و دقت در ساخت‌های آوایی و صرفی آن و تجزیه و تحلیل داده‌ها به نتیجه‌ای متون رسید؛ پژوهش‌هایی از این دست اگر به صورت علمی صورت پذیرد، می‌تواند گام‌های مؤثری برای شناساندن این گوش بردارد و مشخص سازد این گوش، گوش‌ی مستقل یا زیر مجموعه‌ای از گوش‌های اطراف است.

2- اهمیت و ضرورت تحقیق

در استان هرمزگان به دلیل موقعیت خاص استراتژیک اقتصادی، مجاورت و آمد و شد مکرر با کشورهای حوزه‌ی خلیج فارسو نیز محرومیت روستاها و معضل کم‌آبی و بارش بسیار کم باران و به تبع آن رغبت به شهرنشینی روستائیان، مسئله‌ی صیانت از گوش‌ها بیش از پیش مهم می‌نماید؛ چه اینکه در روند روبه رشد فناوری‌ها و فراگیری زبان معیار و نیز تغییرات گسترده در بخش فرهنگ، زندگی اجتماعی و روند اقتصادی، عامل وحدت بخش نواحی و قومیت‌ها را که گوش محلی می‌باشد، در معرض زوال و نابودی قرار داده است. در بخش مهران و شهر لمزان نیز به تبع متروک ماندن شیوه‌ی زیستن قدیم و روی آوردن به فرهنگ زندگی شهرنشینی، خصوصاً اهتمام بسیاری از خانواده‌ها به تکلم با خردسالان به زبان فارسی معیار و سعی در همراه کردن خردسالان با فرهنگ روز جامعه و جهان، گوش و فرهنگ محلی در معرض بی‌توجهی و آسیب‌پذیری قرار گرفته است که اقتضا می‌نماید توجهی جدی به این گنجینه‌ی با ارزش و اصیل که معرف واقعی فرهنگ جامعه می‌باشد، صورت گیرد.

یکی از موارد مهم و تاثیرگذار در زوال لهجه‌ها و گوش‌ها که کمتر به چشم می‌آید، قرض‌گیری واجی (phonological borrowing) است. «قرض‌گیری واجی روندی است که طی آن عناصر والگوهای آوایی یک زبان به زبان دیگر وارد می‌شوند، و در نتیجه در نظام آوایی زبان قرض‌گیرنده تغییراتی ایجاد می‌کنند. واژه‌های قرضی معمولاً با قواعد آوایی و ویژگی تلفظی زبان قرض‌گیرنده، انطباق پیدا می‌کنند و به این ترتیب رنگ غیر بومی خود را از دست می‌دهند.» (مدرسی، 1391: 94) با توجه به این مهم، یعنی قرض‌گیری واجی و تاثیر آن بر نظام آوایی زبان و آسیب‌پذیری این گوش زنده‌ی بومی، در این تحقیق به بررسی و توصیف یکی از مباحث‌های مهم واجی، یعنی واژه‌ها در گوش لمزانی می‌پردازیم.

3- شیوهی تحقیق

از آنجا که پیرامون گویش مذکور هیچ گونه مطالعه ای - چه به صورت چاپی و چه به صورت الکترونیکی - انجام نشده است و هیچ منبعی در این باره موجود نمی باشد، این تحقیق به صورت میدانی انجام گرفته است و با وجودی که پژوهشگر، خود از گویشوران بومی محسوب می شود و طی ده سال به ثبت و ضبط داده های گویشی اهتمام ورزیده است، اما برای سنجش بهتر و بالابردن دقت پژوهش، از گویشوران اصیل و مدرسه ندیده اعم از کهنسال و میانسال و نیز تعدادی گویشور میانسال آشنا به لغت و شم زبانی ، برای تلفظ دقیق و تصحیح خطاهای احتمالی استفاده شده است. در نهایت پژوهشگر، برای تجزیه و تحلیل داده ها از دانش زبانی خود به ره برده است. برای این منظور، با استفاده از جفت های کمینه و به دست دادن مثال ها در مواضع آغازی، میانی و پایانی واژه، واکه ها بررسی و توصیف شده اند. چون این گویش فاقد نوشتاری است، بنابراین مثال های استفاده شده در این پژوهش به صورت واج نویسی ارائه شده اند.

4- توصیف واکه ها

به آوایی که «در گذر از اندام های گویایی به آن چنان مانعی از نوع انسدادی، سایشی، غلطان، کناری و غیره برخورد نکند که در نتیجه ی آن، آوای تازه ای بدان افزوده شود» (حق شناس، 1392: 73)، واکه گفته می شود. مهم ترین عضو در تولید واکه ها، زبان است؛ از آن رو که مشخصه ی مهم تمایز واکه ها یعنی پیشین و پسین بودن و نیز باز و بسته بودن واکه ها به عامل زبان بستگی دارد (نمره، 1392: 84). واکه های این گویش را می توان به دو دسته ی ساده و مرکب تقسیم کرد.

4-1 - واکه ساده

«هرگاه در طول تولید یک واکه، اندام های گویایی در یک حالت بمانند، به طوری که در تمام مراحل تولید، شکل لب-ها و ارتفاع و حالت زبان یکسان بماند آن واکه را ساده می نامند.» (حق شناس، 1392: 105). در زبان فارسی بنا به تلفظ رایج مرکز کشور شش واکه ی ساده یا بسیط وجود دارد.

این واکه ها عبارت اند از: سه واکه ی پیشین: آ (ā)، ا (a)، ای (e)؛ سه واکه ی پسین: آ (ā)، ا (ā)، او (u). این واکه ها به دو دسته ی «کوتاه» و «بلند» تقسیم می شوند (باقری، 1392: 105).

گویش لمزانی در مبحث واکه ها از فارسی معیار متمایز است. همانطور که بیان گردید در فارسی معیار شش واکه ی ساده موجود است، در حالی که در این گویش 11 واکه ی ساده وجود دارد: سه واکه ی کوتاه، پنج واکه ی بلند و نیز چهار واکه ی کشیده که با فرآیند کشش جبرانی تولید می شوند. واکه های کشیده که حاصل حذف همخوان های چاکنایی است و نیز دو واکه ی بلند در این گویش، آن را به نحو خاصی متفاوت نموده است.

4-1-1- واکه های کوتاه

آ/a/

(پیشین، باز، گسترده، کوتاه)

«هنگام تولید این واکه، فاصله ی جلوی زبان تا سخت کام حدود دوبرابر مسافتی است که برای تولید /e/ لازم می - باشد. برجستگی زبان اندک، و در واقع به صورت یکانقباض از جلو به عقب، در بدنه ی زبان ظاهر می شود. کناره‌های زبان با دیوار داخلی دندان‌های پایین تماس دارد و نوک آن اندکی به عقب کشیده شده‌و در پشت دندان های پایین قرار می - گیرد، فاصله ی بین دندان‌های بالا و پایین در قسمت جلو و فاصله ی لب‌ها از یکدیگر به حدود دوسانتیمتر می رسد، شکل لب‌ها گسترده‌ی باز است.» (ثمره، 1392: 93)

تفاوتی بین این شیوه‌ی تولید و تلفظ در گویش لمزانی و زبان فارسی به چشم نمی خورد. همچنین مشخصه‌ی واکی آن، لرزش تار صوتی و واکبری است.

/a/ در تقابل با /ā/ : bar(ثمر) ← bār(بار)

در مواضع ابتدایی		در مواضع میانی		در مواضع پایانی	
/ʔassok/	هسته	/Pal/	پر	/Para/	پاره
/ʔallek/	آویزان	/Čilak/	چیره	/Kesa/	کیسه

/e/

(پیشین، نیم باز، نیم گسترده)

«اندام‌های سازنده‌ی این واکه، بخش پیشین زبان و سخت کام هستند. فاصله‌ی جلوی زبان و سخت کام، هنگام تولید این واکه، دوبرابر فاصله‌ی آن است که برای تولید /i/ لازم است. فاصله‌ی دندان‌های بالا و پایین حدود یک سانتیمتر است. نوک زبان در پشت دندان‌های پایین قرار می گیرد. نرم‌کام در موقعیت بالاست. تارهای صوتی در موقعیت تولید واک قرار دارند و لب‌ها به شکل نیم گسترده در می آیند.» (ثمره، 1392: 89).

در این گویش، واک مذکور همانند زبان فارسی تولید می شود. از وجوهات تمایز گویش لمزانی با فارسی معیار، وجود نداشتن واکه‌ی /e/ در مواضع پایانی واژه است. در فارسی معیار اسم‌ها و صفات مفعولی مختوم به /e/ هستند؛ حال آنکه در گویش لمزانی حرکت پایانی اسم‌ها و صفات هیچ گله به /e/ ختم نمی‌شود، بلکه مختوم به /a/ است.

/e/ در تقابل با /i/ : xer (گلو) ← xir (خور)

در مواضع ابتدایی		در مواضع میانی		در مواضع پایانی	
/ʔex/	صوت نهی	/Heš/	شپش	-----	-----
/ʔešow/	امشب	/Peleng/	غلت		

/o/

(پسین، نیم باز، نیم گرد، کوتاه)

برای تولید این واکه ، عقب زبان به طرف نرمکام بالا می رود و در فاصله ای از آن قرار می گیرد که تقریباً دوبرابر مسافتی است که بین این دو عضو هنگام تولید /u/ وجود دارد. بخش پیشین زبان اندکی به طرف عقب کشیده می شود. فاصله‌ی دندان‌های بالا و پایین حدود پنج میلیمتر است. شکل لب‌ها جلو آمده و گرد است، منتهی مقدار جلوآمدگی کمتر از /u/ ولی دایره‌ی لب‌ها وسیع‌تر از آن است. نرمکام راه عبور هوا را از مسیر بینی مسدود می سازد. تارهای صوتی در موقعیت تولید واک قرار می گیرند(همان: 94).

در گویش لمزانی نیز به همین شیوه تولید و تلفظ می‌شود. از نظر کاربرد، این واکه در میانه‌ی واژه، پربسامدترین است. ابتدای واژه کاربرد بالایی ندارد و در پایان واژه تنها در واژه هایی معدود و انگشت شمار، حرکت پایانی محسوب می - شود.

/o/ در تقابل با /u/: xoŋ: (سطحی مدور و چوبی برای پهن کردن آرد خمیر) ← xun (خون)

در مواضع ابتدایی		در مواضع میانی		در مواضع پایانی	
/ʔoštɔr/	شتر	/ʔontey/	آن یکی	/Ko/	که
		/Toromb/	تنه‌ی نخل	/Xo/	خب
		/Komb/	قوز		

4-1-2- واکه‌های بلند

/ā/ آ

(پسین، باز، گرد، کشیده، بلند)

هنگام تولید این واکه ، در بخش پسین زبان یک برآمدگی جزئی پدید می آید. مسافت بین عقب زبان و نرمکام حدوداً دوبرابر مسافتی است که بین این دو عضو موقع تولید /o/ وجود دارد. بخش پیشین زبان آزاد است و کناره‌های آن مماس بر دیواره‌ی داخلی دندان‌های پایین می باشد. فاصله‌ی بین دندان‌های بالا و پایین در قسمت جلو در حدود دو سانتیمتر است. لب‌ها اندکی جلو آمده به شکل بیضی گونه ای در می آیند و حداکثر فاصله‌ی آنها از یکدیگر به حدود دو سانتیمتر می‌رسد. نرمکام به بالا کشیده می شود و به این ترتیب راه عبور هوا از طریق بینی بسته است . تارهای صوتی در موقعیت تولید واک قرار دارند(همان: 96).

این واکه در گویش لمزانی همانند زبان فارسی تولید و تلفظ می شود. همچنین کشش اضافه و کشش جبرانی نیز از واجگونه‌های این واکه در گویش لمزانی محسوب می شوند.

/ā/ در تقابل با /a/: tāl (سنگ بزرگ) ← tal (خیس)

در مواضع ابتدایی		در مواضع میانی		در مواضع پایانی	
/ʔāli/	سیب زمینی	/Tāl/	سنگ بزرگ	/Sewā/	جدا
		/Bāxāl/	پدرزن	/Telā/	طلا

/i/ای

(پیشین، بسته، گسترده، کشیده و بلند)

هنگام تولید این واکه، قسمت جلوی زبان به طرف سخت کام بالا می رود و در فاصله‌ای نسبت به آن قرار می گیرد که جریان هوا بتواند بدون تولید سایش عبور کند. نوک زبان آزاد است و معمولاً در پشت دندان های پایین قرار می گیرد. فاصله‌ی اندک بین دندان‌های بالا و بین سطح زبان و کام، موجب کمی حجم حفره‌ی دهان می‌شود (همان: 87). در گویش لمزانی این واکه همانند فارسی معیار تولید و تلفظ می‌شود.

/i/ در تقابل با /e/gira/ : (گیره) ← gera (مورچه‌ی ریز)

در مواضع ابتدایی		در مواضع میانی		در مواضع پایانی	
/Išon/ (ایشان)	/?i/ (این)	/Gipā/ (شکمه)	/Sir/ (شور)	/Li/ (رو، چهره)	/Pilaki/ (پولک)

/u/ او

(پسین، بسته، گرد و کشیده)

هنگام تولید این واکه، بخش پسین زبان به سوی نرم‌کام افراشته می‌شود و در فاصله‌ای از آن قرار می‌گیرد که جریان هوا بتواند به آزادی عبور نماید. در تولید آن زبان حداکثر ارتفاع را دارد و فاصله‌ی دندان‌های بالا و پایین حدود دو میلیمتر می‌باشد. نرم‌کام در وضعیت بالا قرار گرفته و به این طریق راه عبور هوا از بینی مسدود است. تارهای صوتی در وضعیت تولید واک قرار می‌گیرند، لب‌ها به جلو کشیده می‌شوند و به صورت گرد در می‌آیند (همان: 92).

/u/ در تقابل با /o/ : gur (شیفت، یک نیمه از روز) ← gorr (قبراق، سر پا)

واج /u/ در گویش اصیل و قدیم لمزانی کاربرد امروز را نداشته، بلکه محصول تغییرات و فرآیندهای آوایی از واکه‌های /o/ و /ā/ بوده است:

تبدیل /o/ به /u/ : pol (پل) ← pul ، ?o-šom (برویم) ← ?o-šum

تبدیل /ā/ به /u/ : šām (شام) ← šum ، šomā (شما) ← šomu

آنچه که در بررسی این واکه به دست می‌آید این است که گویشوران قدیمی این گویش در اغلب موارد در مواضع پایانی واژه، /u/ را بدل از /ā/ تلفظ می‌کنند:

xuna	←	xāne (خانه)
zamun	←	zamān (زمان)

harum	←	harām (حرام)
takun	←	takān (تکان)
xeyābun	←	xeyābān (خیابان)
gamun	←	gamān (گمان)
num	←	nām (نام)
mu	←	mā (ما)

/ü/

(پیشین، نیم‌گرد، بلند)

این واکه از خصیصه‌های واکه‌ای این گویش محسوب می‌شود که در دهه‌های گذشته به واکه‌ی /i/ و امروزه در بین گویشوران تحصیلکرده به /u/ تبدیل می‌شود. تفاوت مهم این واکه با /u/ در این است که /u/ از قسمت عقب زبان و با گرد شدن لب‌ها تولید و پسین محسوب می‌شود و در مقابل، واکه‌ی /ü/ با کاسته شدن از میزان گردی لب‌ها، از قسمت جلو زبان تولید می‌شود و واکه‌ای پیشین محسوب می‌شود؛ به همین سبب تبدیل آن به واکه‌ی پیشین و کشیده‌ی /i/ در بین گویشوران قدیمی و اصیل، راحت‌تر و معمول‌تر بوده است. از آنجایی که این واکه، هنوز در مواردی ممیز معناست، واکه‌ای مستقل محسوب می‌شود.

/ü/ در تقابل با /u/ : tür (سرگشته) ← tur (تور) ، pül (پول) ← pul (پل)

/ü/ در تقابل با /i/ : sür (شور) ← sir (سیر) ، dür (دور) ← dir (دیر وقت)

این واکه، سابق در جایگاه واکه‌ی /u/ به کار می‌رفت و گویشوران قدیمی تلفظ /u/ را به این واکه تغییر می‌دادند، در مثال‌های زیر فراوانی این واکه در گویش اصیل لمزانی مشهود است:

zür (زور) ، mür (مور) ، xür (خور) ، gül (فریب) ، tür (سرگشته)

Kür (کور) ، sür (شور) ، gür (گور) ، güšt (گوشت) ، pül (پول)

داده‌های بالا نشان می‌دهد که واکه‌ی /ü/ در بین گویشوران اصیل موجودیت دارد و در جایگاه /u/ در فارسی معیار، تلفظ می‌شود. این واکه در آغاز و پایان واژه کاربرد ندارد و تنها در بخش میانی آن، به تلفظ در می‌آید. فرآیند حذف از تلفظ پایانی را می‌توان اینگونه نشان داد:

jāri	←	jāri	←	jāru (جارو)
pati	←	patü	←	patu (پتو)
ri	←	rü	←	ru (رو)

šü	←	ši	←	(دود) šu
bü	←	bi	←	(بو) bu

تلفظ این واکه در پایان واکه و هجا، تنها در واژه‌هایی معدود، آن هم بین که‌نسالان مشهود است:
 Kü (کوه)، dü (تخته سنگ‌های کوهستانی)، rūxona (رودخانه)

و/نوعی از (آ)

(پسین، گرد، نیم باز)

این واجگونه، نوعی از واکه‌ی ساده‌ی /ā/ محسوب می‌شود که در فرآیند تولید آن لب‌ها گرد است و جایگاه تولید آن قسمت پسین زبان است. حق شناس (103:1392) آن را در دسته‌ی واکه‌های نیم باز جای داده است و معتقد است [ɔ] با لب‌های گرد و [ʌ] با لب‌های گسترده تولید می‌شود؛ همچنین درجه‌ی پسین بودن آنها را کمتر از [o.ʏ] می‌داند. در این گویش واجگونه‌ی مذکور در انتهای افعالی واقع می‌شود که قاعدتاً باید مختوم به /o/ باشند، اما به سمت /ā/ گرایش می‌یابد تا حدی که به یکی از واجگونه‌های /ā/ تبدیل می‌شود. در تلفظ بعضی از گویشوران که آمیختگی گویشی نیز دارند، این واجگونه به شکل /u/ به لفظ می‌آید. در گویش اصیل لمزانی واجگونه و/در پایان افعال متعدی ماضی کاربرد چشمگیری دارد.

کردم	←	mo-kɔ
نهادی	←	ot-nɔ
خوردیم	←	moŋ-xɔ
ریختم	←	om-barenɔ
می‌خوابانید	←	še-xatenɔ

4-1-3- واکه‌های کشیده

واکه‌های کشیده یا کشش واکه را می‌توان واجگونه‌ای از واکه‌های ساده دانست. هنگامی که بعد از واکه‌ها، دو همخوان متوالی بیابند، معمولاً همخوان اول که معمولاً چاکنایی است از تلفظ حذف و واکه کشیده می‌شود. واکه‌های کشیده در گویش لمزانی عبارتند از:

/a:/ (کشیده)

فرآیند تولید این واکه همانند واکه‌ی کوتاه /a/ است؛ با این تفاوت که کشش آن بیشتر است. این کشش واکه‌ای زمانی پدید می‌آید که واکه‌ی ساده /a/ در مجاورت /h/ و /ʔ/ باشند همانند:

ka:ri	←	کهره (بزغاله)
na:r	←	نهر
pa:ri	←	پهلوی
za:ra	←	زهره
ja:m	←	جمع

این کشش واکه‌ای ممیز معناست:

/a:/ در تقابل با /a:/: ša:r (شهر) ← šar (بدی) ، ka:la (قلعه) ← kala (تاقچه)

/e:/ ا (کشیده)

این واکه همانند /e/ ولی با کشش بیشتر تولید می‌شود. هنگامی که بعد از واکه‌ی /e/ یکی همخوان‌های ساکن /y/ و /?/

قرار بگیرد، حذف می‌شود و واکه‌ی /e/ برای جبران این حذف، کشیده تلفظ می‌شود همانند:

ye:r	←	غیر
xe:r	←	خیر
be:lak	←	بیرق
tere:li	←	تریلی
kowe:t	←	کویت

این واکه نیز ممیز معناست:

/e:/ در تقابل با /e/: xe:r (خیر) ← xer (گلو) ، ke:la (پیمانه) ← kel (شاباش عروسی)

/o:/ ا (کشیده)

زمانی که هم‌خوان‌های ساکن /h/ و /?/ بعد از واکه‌ی /o/ قرار بگیرد، همخوان مذکور حذف می‌شود و برای جبران آن،

کشش واکه‌ای پدید می‌آید.

so:bat	←	sohbat (صحبت)
mo:kam	←	mohkam (محکم)
mo:ra	←	mohre (مهره)
lo:ta	←	Laxte (لخته)
po:na	←	Pahnā (پهنا)

این واکه نیز ممیز معناست:

/o:/ در تقابل با mo:rl /o/ : (مهر) ← mormor (غروند)

در بسیاری از موارد این کشش واکه به سوی تلفظ واکه ی /o/ گرایش می‌یابد به طوری که تشخیص این دو واکه از هم دشوار می‌نماید نظیر:

kona	←	ko:na	←	kohne (محکم)
to:wit	←	to:wit	←	ta?viz (تعویذ)
son	←	so:n	←	sahn (بشقاب)
mo	←	mo:	←	moh (نخل)

4-2- واکه‌های مرکب

در فرآیند تولید واکه چنانچه «اندام‌های گویایی پیوسته حالت‌های خود را عوض کنند، به شیوه‌ای که در تمام مراحل تولید، لب‌ها، ارتفاع و حالت زبان دچار دستخوش گردد آن واکه را مرکب گویند» (حق شناس، 1392: 105)؛ با این تعریف، باید واکه‌ی مرکب را برحسب ساخت آوایی هر زبان یا گویش مشخص کرد. چه اینکه «ممکن است دو جزء پیاپی در زبانی مصوت مرکب و در زبان دیگر دو مصوت یا پیوند مصوت وصامت باشد؛ مثلاً پیوند [ay] در زبان فارسی توالی مصوت وصامت محسوب می‌شود، درحالی که این پیوند در زبان انگلیسی مصوت مرکب به شمار می‌رود.» (مشکوة الدینی، 1393: 25). بنا بر اعتقاد ثمره، تفاوتی که واکه‌ی مرکب با دو واکه‌ی پی‌درپی دارد، این است که مرحله‌ی تولید واکه‌ی مرکبیک جریان پیوسته و تجزیه‌ناپذیر است، اما تولید دو واکه‌ی متوالی، مجزا از یکدیگر صورت می‌گیرد؛ به طوری که می‌توان بین آن دو مکث کرد یا حتی جزء دیگری بین آنها اضافه نمود. مثلاً در فارسی معمولاً بین دو واکه‌ی پهلوی هم، می‌توان یک همزه یا حتی همخوان دیگری حایل قرار داد، چنانکه در /dānā+i → dānā?i/ یا در /zende+ /i → zendegi/. به عبارت دیگر در بین دو واکه‌ی مجاور خلئی است که به وسیله‌ی همزه یا همخوان دیگری پر می‌شود، در صورتی که بین دو جزء واکه‌ی مرکب چنین خلئی وجود ندارد (ثمره، 1392: 48).

در زبان فارسی با توجه به تقسیم بندی ثمره به طور کلی شش واکه‌ی مرکب وجود دارد که عبارتند از:

pāy	در	āy/i
xuy	در	uy/i
qayyem	در	ay/i
mey	در	ey/i
xoy	در	Oy
dowr	در	ow/u

«از آنجایی که در هنگام تولید /y/،/w/ هیچ گونه گرفتگی یا تنگی که موجب سایش شود در دستگاه گفتار وجود ندارد و در ضمن تولدی هر دو آوا همراه با ارتعاش تار آواها و نتیجتاً ایجاد واک می باشد، بنابراین دو آوای مورد بحث را از دیدگاه آواشناسی می توان واکه به حساب آورد» (ثمره، 1392: 97)؛ در حالی که «از دیدگاه واج شناسی، پهلوی هم قرار گرفتن دو واکه را هنگامی می توان یک واکه‌ی مرکب به حساب آورد که دو جزء آن بر روی هم نقش یک واکه‌ی واحد را ایفا کنند، یعنی جزء دوم از جزء اول آن قابل تجزیه نباشد.» (همان: 99).

با بررسی گویش لمزانی به طور کلی می توان 6 واکه‌ی مرکب به دست داد؛ هر چند تمام این واکه‌ها را از منظر واج شناسی می توان رشته واج‌هایی مرکب از یک واکه و یک همخوان دانست، اما از دیدگاه واج شناسی واکه‌ی مرکب به شمار می‌روند. واکه‌های مرکب در گویش لمزانی عبارتند از:

آی /ay/

اندام‌های گفتار طی یک فرآیند پیوسته از موقعیت واکه /ā/ به سوی واکه‌ی /i/ حرکت می‌کنند. اندام‌های سازنده‌ی آن عقب و جلوی زبان است. حرکت زبان از عقب به جلو و از پایین به بالاست (همان: 97). در گویش لمزانی بو خلاف فارسی معیار، این واکه تداول اندکی دارد و در بسیاری از مواضع دستخوش تحریف و تبدیل می‌شود.

در ابتدای بعضی از واژه‌ها این واکه به لفظ می‌آید

?āyšamma	←	حاجی شیخ محمد
D		
fāyka	←	فائقه
bāy	←	وای و فریاد
čāy	←	چای

در وام واژه‌ها، این واکه متحول می‌شود؛ بدین ترتیب که ابتدا به واکه‌ی /ey/ بدل می‌شود، سپس واکه‌ی مرکب به کشش واکه‌ای منجر می‌شود.

le:n	←	leyn	←	line (صف، ردیف)
Pe:p	←	peyp	←	pipe (لوله، شلنگ)
le:t	←	leyt	←	light (روشنایی)
te:m	←	teym	←	time (زمان، وقت)
le:san	←	leysan	←	license (گواهی نامه)

در برخی واژه‌ها نیز /āy/، بدون کشش واکه‌ای، به واکه‌ی مرکب /ey/ یا /ay/ بدل می‌شود:

?ayša	←	عایشه
jeý	←	جای
teý	←	تای (=یکی)
xayða	←	خاییدن

ای /oy/

حرکت پیوسته‌ی گفتار از جایگاه واکه ی /o/ شروع می‌شود و در حوالی /i/ پایان می‌یابد. عقب‌زبان تا جایگاه /o/ به طرف نرم‌کام بالا می‌رود و پس‌زبان به طرف جلو کشیده می‌شود، قسمت جلو زبان تا ارتفاع لازم برای واکه ی /i/ به سوی سخت‌کام بالا می‌رود (همان: 98).

این واکه در گویش لمزانی بسامد بالایی ندارد و تنها در واژه‌های معدودی مشاهده شده است:

oy (به او)

xoy (با، همراه)

koy (کجا)

ای /ay/

حرکت پیوسته‌ی اندام‌های گفتار از موقعیت واکداری /a/ به سوی واکه ی /i/ صورت می‌پذیرد؛ بدین معنی که جلو زبان از موضع /a/ تا موضع یک /i/ نسبتاً باز بالا می‌رود، حرکت فک از پایین به بالاست و شکل لب از حالت گسترده ی باز به حالت خنثی در می‌آید. نرم‌کام راه عبور هوا را از طریق بینی می‌بندد و تار آواها در موقعیت تولید واک هستند (همان: 98).

در گویش لمزانی این واکه بسامدی متوسط دارد و همانند فارسی در بسیاری از واژه‌ها نیز به /ey/ بدل می‌شود. از موارد

استعمال این واکه، مصادیق زیر را می‌توان مثال زد:

gay	←	گاهی
kay	←	کی
nayma	←	نعیمه
taywa	←	طیبه
?ayða	←	عید
sayða	←	سعیده

در واژه‌هایی مثل حسین، خیر، غیر و... واکه ی /a/ به /e/ بدل می‌شود.

ای /ey/

برای تولید این واکه اندام های گفتار طی یک حرکت پیوسته از موقعیت /e/ به سوی /i/ حرکت می کنند. نقطه ی پایانی این حرکت نقطه ای است بین /e/ و /i/ که بی شک از /e/ بسته تر و از /i/ بازتر است. اندام سازنده ی این واکه جلو زبان است و حرکت زبان از پایین به بالا صورت می گیرد (همان: 98).

در گویش لمزانی این واکه در اکثر موارد جایگزین /ay/ می شود و سپس در مرحله ی آخر به کشش واکه ای می انجامد.

hoseyən (حسین)	←	?ose:n
γeyr (غیر)	←	γe:r
Meyl (میل)	←	me:l
xeyr (خیر)	←	xe:r
keyl (کیل، میزان)	←	ke:l
seyl	←	se:l

در بعضی از واژه ها نیز با کشش اضافه تلفظ می شود:

عروس	←	be.y
تیهو	←	te.y
کوچک	←	ke.y
هذیان	←	pere.y
نوزاد	←	nine.y

قابل ذکر است این واکه در اجزا و شناسه های فعلی بدون تغییر تلفظ می شود:

می خواهم	←	mey
می خواهی	←	tey
می خواهد	←	šey
آمدی	←	hond-ey
ایستاده است	←	veysaḏa
راندن	←	leynaḏa

/ow/ او

نقطه ی شروع برای این واکه ی مرکب جایگاه تولید /o/ است؛ بدین معنی که عقب زبان در ارتفاعی که برای تولید /o/ لازم است، قرار می گیرد. سپس به سوی نرمکام بالا می رود و به ارتفاعی کمتر از آنچه که برای تولید /a/ ضروری

است، می‌رسد. فک پایین اندکی بالا کشیده می‌شود و لب‌ها از حالت نیمه گرد به حالت گرد در می‌آیند. راه عبور هوا از طریق بینی بسته است و تار آواها در اثرای تولید در حال ارتعاش هستند (همان: 98).
 در گویش لمزانی نیز این واکه همانند نظیر فارسی آن تولید و تلفظ می‌شود، و از آنجایی که از نظر تبدیلات واجی معمولاً در این گویش واج /b/ و نیز /v/ در محیط بعد از واکه، به واج ناسوده ی /w/ بدل می‌شوند، رشته‌ی آوایی /ow/ به عنوان پرکاربردترین واکه‌ی مرکب در این گویش محسوب می‌شود. در اکثر هجاها و واژه‌هایی که مختوم به /āb/ یا /av/ هستند واکه‌ی مرکب /ow/ نمود پیدا می‌کند:

xow	←	خواب
?aftow	←	آفتاب
pārow	←	فاریاب (پاریاو)
golow	←	گلاب
sorxow	←	سرخاب
dišow	←	دوشاب
tow	←	تب
nowš	←	نبش
fowl	←	خطایورزش
šenow	←	شنا
čow	←	شایعه
kowkow	←	کاکائو

/aw/ آو

برای تولید این واکه، حرکت‌های پیوسته‌ی اندام‌های گفتار از موقعیت /a/ شروع می‌شود و عقب زبان به سوی نرم‌کام افراشته می‌شود. فک پایین به طرف بالا در حرکت است و در حالی که لب‌ها حالت نیمه باز دارند و نرم‌کام راه عبور هوا از بینی را مسدود کرده است این آوا با خصیصه‌ی واکبری تولید می‌شود.
 این واکه در زبان فارسی معیار وجود ندارد و از ویژگی‌های منحصر به فرد گویش لمزانی و تفاوت آشکار آن با فارسی معیار در تولید واکه‌ی مرکب است. در این گویش هنگامی که واج‌های لبی و دندانی /b/، /v/ و /f/ بعد از واکه‌ی /a/ قرار بگیرند با تبدیل همخوان‌های مذکور به گونه‌ی ناسوده‌ی /w/، واکه‌ی مرکب /aw/ تولید می‌شود:

kawk	←	کبک
------	---	-----

tawl	←	طبل
sawḏ	←	سبز
kawr	←	قبر
sawr	←	صبر
kawš	←	کفش
kaw	←	گاه

لازم به ذکر است که در قیاس با فارسی معیار، در گویش لمزانی واکه‌ی مرکب /uy/ وجود ندارد و از آن جایی که با قواعد گویشی ناهماهنگ است، اغلب واژه‌های مختوم به این واکه، به واکه‌ی /ey/ یا شکل متحول شده‌ی آن، بدل می‌شوند:

beyxaš	←	بوی خوش
menesiyā	←	موی سیاه
šenejāhel	←	شوی جوان
le zemeṅ	←	روی زمین
teambār	←	توی انبار

5- نتیجه‌گیری

در این مقاله انواع واکه‌های گویش لمزانی در تقابل با واکه‌های فارسی معیار بررسی و توصیف گردید. نتایج این بررسی بیانگر این است که واکه‌های گویش لمزانی، همچون زبان فارسی معیار به دو دسته‌ی ساده و مرکب تقسیم می‌شود. واکه‌های ساده به سه نوع: کوتاه، بلند و کشیده دسته‌بندی می‌شوند. در مقابل شش واکه‌ی ساده در فارسی معیار، در این گویش یازده واکه به چشم می‌خورد که حاکی از غنای این گویش در مبحث واجی است. دو واکه‌ی بلند /ü/ و /ɔ/، و نیز سه واکه‌ی کشیده‌ی /a:/، /e:/ و /o:/ از موارد تمایز این گویش با زبان فارسی معیار به شمار می‌رود. واکه‌ی بلند /ü/ گونه‌ی اصیل و قدیمی واکه‌ی /u/ است که در فارسی معیار /u/ تلفظ می‌شود؛ بعدها بر اثر تأثیر زبان غالب و با فرآیند پسین‌شدگی، این واکه در مواضع بسیاری به /u/ بدل گردید. در مبحث واکه‌های مرکب، زبان فارسی دارای شش واکه‌ی /āy/، /uy/، /ay/، /ey/، /oy/ و /ow/ است که در این گویش واکه‌ی مرکب /uy/ کاربرد ندارد. واکه‌ی /oy/ بیشتر جانشین گونه‌ی معیار /uy/ می‌گردد، در مواضعی نیز /uy/ به /ey/ تبدیل می‌شود. واکه‌ی مرکب /aw/ از دیگر این تمایزات محسوب می‌شود که در واقع حاصل ناسوده‌شدگی همخوان /b/ در خوشه‌ی /ab/ است و در زبان فارسی این واکه وجود ندارد.

منابع و مأخذ

- باقری، مهتری (1392)، *مقدمات زبان شناسی*، چاپ هفدهم، تهران: قطره.
- ثمره، یدالله (1392)، *آواشناسی زبان فارسی (آواها و ساخت آوایی هجا)*، چاپ دهم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حق شناس، علی محمد (1392)، *آواشناسی (فونتیک)*، چاپ چهاردهم، تهران: آگه.
- مدرسی، یحیی (1391)، *درآمدی بر جامعه شناسی زبان*، چاپ سوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مشکوه الدینی، مهدی (1393)، *ساخت آوایی زبان*، چاپ هفتم، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

The Description of the Vowels in Lamzani Dialect and its Comparison with Standard Persian Language

Mohammad SalehArzankar, Zahra Ansari, JavadDehghaniyan

Abstract

Lamazani dialect is the most popular dialect in the central district in Mehran county, which is located in the farnorthern area of BandarLengeh, in the southeast of Bastak and the west of Bandar Khamir. The people in Lamzan and thirteen neighboring villages are the speakers of this dialect. This study examines the phonetic and the morphological features of Lamzani dialect in comparison with the standard Persion language. This article examines and describes the vowelsby using minimal pairs and several morphological examples at the beginning, middle, or end of the word. The results of this study indicate that in addition to the differences in the diphthongs, unlike the standard Persian, which has six monophthongs, this dialect has eleven monophthongs that fall into the three categories: short, longs, and tense.

Key Words

Lamazani dialect, Standard Persian language, Phoneme, Monophthongs, Diphthongs, Tense Vowels

